قبل از قتل بیهوش شدم!

گروه حوادث– مرد زندانی که به خاطر توهین به دخترش با چند زندانی دیگر درگیر شده و یکی از آنها به قتل رسیده بود در حالی پای میز محاکمه ایستاد که منکر ارتکاب جنایت است. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ با وقوع یک فقره قتل در زندان قزل حصار آغاز شد و در جریان آن مردی به نام کریم که از مدت ها قبل به جرم حمل مواد مخدر دوران حبسش را می گذراند، به اتهام قتل ناصر بازداشت شد.

تحقیقات مأموران در این باره ادامه داشت که برخی از زندانیان مدعی شدند قتل توسط زندانی دیگری با نام ساسان که او نیز به جرم حمل مواد مخدر در زندان بوده رخ داده است.

آنها به مأموران گفتند: در ابتدا ساسان با فرد دیگری درگیری پیدا کرده بود و چندباری باهم زد و خورد کرده بودند که روز حادثه ناصر برای پادرمیانی جلو رفت و بعد هم با یک ضربه شیشه توسط ساسان به قتل رسید. در ادامه مأموران به سراغ ساسان رفتند و او را مورد بازجویی قرار دادند که او از همان ابتدا اتهام قتل را رد کرد و گفت: من ناصر را نکشتم زندانیان دیگری این کار را کردند و با طرح نقشه ای پیچیده من را متهم به قتل کرده اند. من از دوران نوجوانی در کار حمل مواد مخدر بودم و چندباری هم به همین خاطر بازداشت شده ام.

آخرین بار هم در سال ۹۴ به خاطر سابقه دار بودنم و مقدار زیادی مواد مخدری که همراهم بود به ۲۵ سال زندان محکوم شدم. ناصر هم از زندانیان سابقه دار زندان قزل حصار بود که او هم به خاطر مواد به ۳۰ سال حبس محکوم شده بود.

وی در ادامه افزود: روز حادثه من و یکی از زندانیان که مدتهاست با او مشکل داشتم درگیر شدم و ناصر به هواخواهی او قصد داشت من را با چاقو بزند که من هم او را زدم و اما قبل از آنکه ناصر به قتل برسد من با ضربه یکی از زندانی ها به نام باقر به سرم بیهوش شدم و زمانی که به هوش آمدم متوجه شدم که ناصر به قتل رسیده است. این درحالی بود که شاهدان در ندامتگاه قزل حصار عنوان کرده اند که باقر برای جلوگیری از درگیری بیشتر یک ضربه به سر ساسان زده تا او بیهوش شود اما قبل از بیهوشی قتل رخ داده بود.

با تکمیل پرونده و صدور کیفرخواست رسیدگی به این پرونده در دادگاه کیفری استان تهران آغاز شد.

در آخرین روز کاری هفته گذشته این پرونده در شعبه ۸ مورد رسیدگی قرار گرفت و متهم برای محاکمه به دادگاه آورده شد.

با توجه به اینکه اولیای دم درخواست قصاص خود را مطرح کرده بودند، ساسان در جایگاه قرار گرفت و گفت: من اصلاً با ناصر درگیری نداشتم او خودش پس از توهین به من حمله کرد، من هم از شدت ناراحتی نتوانستم خودم را کنترل کنم و به او فحش دادم و با او درگیر شدم. ناصر که چاقویی را در پشت یقه لباسش جاسازی کرده بود بیرون آورد و به سمتم گرفت و به من حمله کرد.

در حین درگیری من و ناصر به یکباره یک نفر از پشت سر ضربه ای به سرم زد و بیهوش شدم وقتی به هوش آمدم به من گفتند که او کشته شده است. من به هیچ عنوان او را به قتل نرسانده ام و این اتهام را قبول ندارم.

او درباره ادعای زندانیان درباره اینکه دیده اند او ضربه را زده گفت: من ضربه ای نزدم آنها دروغ می گویند. مقتول چاقو داشت و حرف های رکیکی به من زد که نتوانستم خودم را کنترل کنم. اما درگیری من با او فقط فیزیکی بود و من هیچ آلت قتاله ای نداشتم.

قاضی از متهم پرسید: مگر در زندان چاقو هست که ادعا می کنی مقتول چاقو داشته است؟ آیا خودت هم چیزی همراهت بود؟

متهم گفت: در زندان با اشیای مختلف چاقو درست می کنند. مقتول هم یک چاقو درست کرده بود و آن را در یقه لباسش جاساز کرده بود. ما بارها گفته بودیم که او چاقو دارد اما توجهی نمی کردند، من هم هنگام هواخوری یک تکه شیشه از زمین برداشته بودم و چون درگیری داشتم می ترسیدم و می خواستم با آن شیشه از خودم محافظت کنم.

متهم همچنین در پاسخ به این سؤال که مقتول چه گفت که درگیر شدید گفت: او به دخترم حرف های نامربوطی زد. چون من باید ۲۵ سال در زندان باشم زن و بچه ام تنها هستند و دخترم که جوان و زیباست مورد توجه برخی از زندانیان که او را دیده اند، قرار گرفته بود به همین خاطر هم حرف های نامربوطی نسبت به او زد و من عصبانی شدم و موجب شد با او درگیر شوم.

پس از اظهارات متهم و وکیل مدافع او قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

بخشیدن قاتل به خاطر پسر عمه

گروه حوادث– دختر نوجوان که پدرش به دست شوهر عمه‌اش به‌قتل رسیده بود به خاطر پسرعمه‌اش از قصاص قاتل گذشت کرد.

ساعت ۹ شامگاه جمعه ۶ تیر سال ۹۸ خبر قتل مرد ۳۰ ساله‌ای توسط دامادشان به بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. به‌دنبال اعلام این خبر تیم جنایی راهی محل جنایت در پل ششم بلوار ابوذر شدند.

بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که شب حادثه جشن تولد داماد خانواده بوده، اما بعد از پایان جشن تولد، درگیری بین برادرزن و داماد رخ داده و منجر به قتل مرد جوان شده است.

مادر مقتول درخصوص شب حادثه گفت: شب حادثه خانه دخترم میهمان بودیم و پسرم به تنهایی به میهمانی تولد آمده بود. حامد مدتی قبل به خاطر یکسری اختلافات از همسرش جدا شده بود و دخترش نیز با مادرش زندگی می‌کند. زن میانسال ادامه داد: پسرم مدتی در تربت جام بوتیک داشت و تنها زندگی می‌کرد.

آن شب دامادم حال خوبی نداشت و روی مبل دراز کشیده بود، پسرم هم داخل آشپزخانه بود که یکدفعه دامادم از روی مبل بلند شد و با فریاد و فحاشی من و پسرم را از خانه‌اش بیرون کرد. این اولین باری بود که چنین رفتاری از او می‌دیدم بعد سمت آشپزخانه رفت و با شیشه نوشابه به سر حامد زد.

همین درگیری منجر به قتل پسرم شد.

متهم جوان در صحنه جنایت بازداشت شد و با اعتراف به قتل از جنایتی که مرتکب شده بود ابراز پشیمانی کرد. پس از بازسازی صحنه قتل و اعتراف به جنایت، پرونده متهم آماده ارسال به دادگاه کیفری برای محاکمه درخصوص قتل عمدی بود که خانواده مقتول به شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت رفتند. مادر حامد و دختر نوجوان مقتول با حضور در دادسرای جنایی از قصاص قاتل تنها با یک شرط گذشت کردند.

دختر مقتول در رابطه با انگیزه بخشش شوهرعمه‌اش گفت: وقتی این اتفاق برای پدرم افتاد خیلی ناراحت بودم. پدرم مرد خوبی بود و به من محبت می‌کرد و از دست دادنش برایم سخت بود. درست است که به خاطر اختلافاتش با مادرم جدا از او زندگی می‌کردیم، اما او خیلی به من محبت می‌کرد. برای همین ابتدا می‌خواستم که قاتل پدرم را قصاص کنند.

دختر نوجوان ادامه داد: در این مدت چندباری خواب پدرم را دیدم. او حال خوبی داشت و به من می‌گفت که شوهرعمه‌ام را ببخشم. از طرفی دلم برای پسرعمه‌ام که الان یک سال و ۹ ماهش است می‌سوزد. دلم نمی‌خواهد او هم مثل من بدون پدر زندگی کند. بزرگ شدن و زندگی کردن بدون پدر خیلی سخت است، این‌طور شد که تصمیم گرفتم قاتل پدرم را ببخشم و از او دیه بگیریم. البته این پول را هم تصمیم دارم برای امور خیریه و کمک به افراد نیازمند خرج کنم.

مادر حامد نیز گفت: در این مدت دخترم به دیدن دامادم در زندان رجایی شهر رفته و خیلی از کاری که کرده پشیمان است و تقاضای بخشش دارد.

زن میانسال ادامه داد: با خودم گفتم با قصاص دامادم، پسرم که زنده نمی‌شود.

از طرفی نوه‌ام بی‌پدر می‌شود و زندگی دخترم نابود می‌شود. وقتی متوجه شدم که دختر حامد هم خواهان بخشش است، مصمم‌تر شدم. تنها شرطی که برای دامادمان داریم پرداخت دیه است.

با اعلام شرط خانواده مقتول، قرار است بزودی به دستور بازپرس مصطفی واحدی، متهم از زندان به دادسرا انتقال داده شود و در صورت موافقت با پرداخت دیه پرونده او از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری استان تهران ارسال خواهد شد.

توبه قاتل در پای چوبه دار شکست

گروه حوادث– قاتل بخشیده شد وقتی به تهران آمد تا با کار کردن زندگی اش را تغییر دهد وارد یک باند سرقت شد و در یک خانه ویلایی پس از فرار همدستانش در صحنه دزدی دستگیر شد.

چندی قبل مرد جوان همراه همسرش بعد از یک میهمانی به خانه ویلایی شان در شمال تهران رفتند و وقتی وارد خانه شدند احساس کردند کسی داخل خانه است. صداهای آرامی از یکی از اتاق ها به گوش می رسید تا اینکه مرد جوان یک وزنه فلزی را که در کنار جاکفشی بود برداشت و آرام به سمت اتاق رفت. وقتی در اتاق باز شد ۲ مرد ناشناس داخل اتاق بودند که یکی از آنها با دیدن مرد صاحبخانه به سرعت به سمت بالکن اتاق رفت و توانست فرار کند اما دومین مرد ناشناس که تصمیم به فرار داشت با فریادهای دزد دزد مرد صاحبخانه روبرو شد و همسایه ها به کمک آمدند و مانع فرار سارق جوان شدند.

همین کافی بود تا تیمی از ماموران کلانتری برای تحقیقات در محل حاضر شوند و سارق جوان را که از سوی همسایه ها زمینگیر شده بود دستگیر کردند.

کامران در همان صحنه سرقت به ماموران گفت: با ۲ تن از دوستانش نقشه سرقت را طراحی کردند و پس از شناسایی محل های سرقت یکی از متهمان در نقش زاغ زن یا همان بپا بیرون از خانه می ایستاد و رفت و آمدها را زیر نظر داشت و من همراه یکی از دیگر از همدستانم وارد خانه ها می شدیم و دست به سرقت می زدیم که در این سرقت صاحبخانه سر رسید و همدستم موفق به فرار شد و من دستگیر شدم. بدین ترتیب با دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت تحقیقات پلیسی برای دستگیری همدستان متهم آغاز شد اما ماموران وقتی به مخفیگاه سارقان رفتند مشخص شد که آنها با اطلاع از دستگیری همدستشان دیگر به مخفیگاه شان مراجعه نکرده و فراری هستند.

کامران ۴۰ ساله که در یک ماجرای دوئل عشقی دست به قتل زده بود پس از ۱۰ سال زندان در یک قدمی چوبه دار بخشیده شد اما با گذشت چند سال دست به تبهکاری زده و دستگیر شده است.

سابقه داری؟

بله، ۱۰ سال به خاطر قتل در زندان بودم.

چرا دزدی کردی؟

قبل از اینکه کرونا به ایران بیاید وضعیت کار خوب نبود و بعد از کرونا شرایط سخت تر شد و چون در سوابقم نوشته شده بود قاتل، اطرافیانم نگاه خوبی به من نداشتند و از من دوری می کردند و مجبور شدم از شهرمان به تهران بیایم و چون کسی مرا در تهران نمی شناخت فکر می کردم می توانم کاری کنم.

چطور سر از دنیای تبهکاری در آوردی؟

وقتی به تهران آمدم به یک قهوه خانه رفتم و در آنجا با یک سارق سابقه دار دوست شدم و شروع به درددل کردم و گفتم دنبال کار هستم که پیشنهاد سرقت داد ابتدا قبول نکردم ولی وقتی دیدم در تهران هم به سابقه دارها کاری نمی دهند تصمیم گرفتم با آنها همراه شوم، چون سارق سابقه دار که شهرام نام دارد می گفت با سرقت طلا و وسایل با ارزش از خانه ها می توانم زندگی خوبی برای خودم فراهم کنم.

نمی ترسیدی؟

شهرام و یکی از دوستانش به نام امیر به من آموزش دزدی دادند و خیلی زود کار سرقت را یاد گرفتم و چون می خواستم پولدار شوم تا خودم را به خانواده ام ثابت کنم.

شیوه و شگردتان چه بود؟

خانه های بالاشهر را هدف قرار می دادیم و ابتدا به سراغ خانه هایی می رفتیم که چراغشان خاموش بود و سپس برای اطمینان زنگ خانه را به صدا در می آوردیم اگر کسی جواب نمی داد اطمینان پیدا می کردیم که کسی داخل خانه نیست به همین خاطر از طریق بالکن وارد خانه می شدیم و وسایل با ارزش مثل دلار و طلا را سرقت می کردیم و امیر همیشه بیرون از خانه منتظر می ایستاد تا اگر کسی می آمد با پیامک به ما اطلاع می داد تا ما قبل از حضور صاحبخانه از آنجا فرار کنیم.

پس چرا شب دستگیری به تو اطلاع ندادند؟

نمی دانم شاید به گوشی همدستم پیام داده یا پیام به دستمان نرسیده است ولی من نمی خواستم خلاف کنم و بعد از قتل توبه کرده بودم که خلافی نکنم اما نشد.

ماجرای قتل چه بود؟

۱۰ سال قبل من عاشق یک دختر شده بودم و قصد داشتم با او ازدواج کنم و به خواستگاری اش رفتیم اما بعد از چند روز متوجه شدم یکی از بچه محل هایمان نیز دلباخته دختر مورد علاقه ام است و او نیز به خواستگاری او رفته و همین باعث شد تا با رقیب عشقی ام درگیر شوم و با چاقو دست به قتل برسانم.

به قصاص محکوم شدی؟

بله، به قصاص محکوم شدم و بعد از ۱۰ سال زندان و کابوس هرشبم با طناب دار در حالیکه یک شب آرام را در زندان نداشتم وقتی پای چوبه دار رفتم قدرت راه رفتن نداشتم، التماس می کردم و می خواستم مرا ببخشند تا اینکه پس از ۱۰ سال انتظار و در یک قدمی چوبه دار خانواده رقیب عشقی ام مرا بخشیدند و رضایت دادند.

زنگ بی موقع تلفن فتانه را لو داد

گروه حوادث– صدای زنگ گوشی تلفن قاتل وقتی از ترس دستگیری داخل یخچال صنعتی یک ساختمان نیمه ساز مخفی شده بود او را لو داد و پلیس تهران را به مخفیگاه کشاند.

مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار خبر درگیری مرگباری را به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند؛ با شروع تحقیقات بلافاصله تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه شدند.

در بررسی‌های اولیه مشخص شد که پسری ۲۰ ساله با ضربه چاقو به قتل رسیده است. طبق تحقیقات میدانی، عامل این جنایت پسر عموی نوجوان مقتول بود. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول در ساختمانی در نزدیکی محل جنایت مشغول به کار بوده و شاهدان عینی مدعی بودند که پسر جنایتکار پس‌از قتل به سمت ساختمانی در حال ساخت متواری شده است.

با این احتمال که پسر ۱۷ ساله در ساختمان نیمه ساز مخفی شده باشد، تیم تحقیق به بازرسی از ساختمان پرداختند، اما هیچ رد و اثری از پسر نوجوان در دست نبود که ناگهان صدای زنگ یک تلفن همراه بلند شد؛ صدای تلفن همراه از داخل یخچال صنعتی به گوش می‌رسید که در یکی از طبقات ساختمان قرار داشت.

مأموران به‌سمت صدا رفتند و پس از باز شدن در یخچال صنعتی، با پسر نوجوان رو به رو شدند. متهم که چاره‌ای جز بیان حقیقت نمی‌دید به قتل پسر عمویش اعتراف کرد و گفت: از بچگی با اردلان بزرگ شدم او مثل برادر بزرگترم بود؛ چند وقت قبل با دختری به‌نام فتانه آشنا شدم و به او دل بستم.

چند ماهی از دوستی‌مان نگذشته بود که متوجه شدم تولد فتانه است، اما چون پولی برای تهیه کادوی تولد نداشتم به سراغ اردلان رفتم و از او درخواست پول کردم.

اردلان ۲۰۰ هزار تومان به من قرض داد و مدتی بعد هم ۱۰۰ هزار تومان از بدهی‌ام را به او برگرداندم و قرار شد مابقی پول را مدتی بعد برگردانم، اما اردلان می‌گفت که من هیچ مبلغی به او نداده‌ام و اشتباه می‌کنم. در جواب اصرارهای من که به او می‌گفتم ۱۰۰ هزار تومان از پولت را داده‌ام گفت باید مدرک نشان دهی که این پول را برگردانده ای، اما من هیچ مدرکی نداشتم که ۱۰۰ هزار تومان از این پول را به او داده ام. ما مثل برادر بودیم و از یکدیگر دست خط نمی‌گرفتیم.

شب حادثه سر همین مسأله باهم درگیر شدیم واز شدت عصبانیت نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که با چاقو به او حمله کردم.

متهم نوجوان ادامه داد: به ساختمان نیمه‌سازی که اردلان در آنجا کار می‌کرد پناه بردم و داخل یخچال صنعتی مخفی شدم. می‌خواستم بعد از اینکه مأموران از محل رفتند، فورا شهر را ترک کنم و به خارج از کشور پناه ببرم که لو رفتم؛ از شانس بد یادم رفته بود گوشی تلفن همراهم را در حالت بی‌صدا بگذارم و از آنجایی که دیگر دوستانم از ماجرا با خبر شده بودند با من تماس گرفته بودند تا متوجه شوند اصل ماجرا چه بوده که زنگ آنها مرا به دام انداخت.

با اعتراف متهم نوجوان به این جنایت، تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به یک نیرو با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری به بالا با حقوق و مزایای عالی جهت کار در شرکت بیمه نیازمندیم
جهت هماهنگی با شماره ۴۴۴۵۵۲۴۸ تماس حاصل فرمایید

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

شرکت مارین دریا تابان کیش
جهت تکمیل کادر خود اقدام به جذب نیرو در واحدهای ذیل می نماید:
۱. انباردار مسلط به word –Excel وسیستم مکانیزه انبارداری
۲. تاسیسات با حداقل ۳ سال سابقه کار تاسیساتی
تلفن جهت انبار دار ۴۴۴۶۵۳۸۴
تلفن جهت تاسیسات ۴۴۴۶۵۳۸۳

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد
نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

خرید ضایعات فلزی در اسرع وقت با بالاترین قیمت
روحی ۰۹۳۴۷۶۹۳۷۵۸

شرکت آریا اطلس کیش
دارای مجوز از منطقه آزاد کیش
– حسابداری – خرید وفروش فصلی
– حسابرسی – مالیات بر ارزش افزوده
– بیمه تامین اجتماعی – حقوق ودستمزد
اظهار نامه اشخاص حقیقی و حقوقی
مشاور مالیات و تامین اجتماعی
آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹
تلفن مرکز ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱ تلفن همراه ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳

خدمات

فروش، نصب و تعمیر
انواع اسپلیت، کولر، یخچال های خانگی و صنعتی، کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب
مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

به یک راننده ۶ چرخ با شرایط ذیل جهت کار در یک شرکت معتبر نیازمندیم
۱. نیروی جوان
۲. ارائه گواهی عدم سوء پیشینه و اعتیاد
۳. ساکن کیش
۴. ارائه ضمانت مالی با مبلغ ۱۰۰ میلیون
حقوق : ٪۳۳ از عملکرد
ساعت کاری: ۸ الی ۱۳:۳۰ و ۱۷ الی ۲۰:۳۰
ارسال رزومه به صورت pdf به واتس اپ ۰۹۰۲۷۶۸۱۰۰۸

تاسیسات ساختمان
آب–برق– کلیه امور کلی وجزئی
توانا
۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

مجتمع فنی تهران
نمایندگی کیش
مرکز آموزش های علمی و کاربردی
(ارائه معتبرترین مدارک بین المللی)
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۴
MFTKISH
MFTKISH.COM

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی

ارائه کلیه خدمات عکاسی و فیلم‌برداری در جزیره کیش
تولد – اسپرت– کودک و فرمالیته
فقط با یک تلفن
۰۹۳۶۵۹۲۴۶۴۴

اصل برگ سبز خودرو تویوتا کمری مدل ۲۰۱۷ به شماره پلاک ۲۲-۲۲۷۱۴ و شماره موتور ۱۵۶۰۸۱۷ و شماره شاسی ۳۰۰۳۵۳۵ به نام علی ابراهیمی معینی فرزند ابراهیم مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی درنیازمندیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.